

A Critique and Review on “*Psychology of Language*”

Shima Nabifar*

Abstract

This article aims to investigate “*Psychology of Language*,” written by David W Carroll, translated by Heshmatollah Sabaghi. The book is described considering the form and the content. Then, the translation of the book is assessed based on factors such as the style of writer, Persian equivalents of general and psycholinguistics terms, grammatical structures, punctuations, writing rules and conventions, accuracy and faithfulness. The main problems of the translation were related to the spaces and half-spaces between the word and within compound words, the correct punctuation and the complexity of Persian sentences in translation in spite of the simplicity of their original English sentences, complex and less frequent equivalents and Arabic words instead of simple, frequent and familiar Farsi equivalents. The faithfulness principle in the translation was acceptable. The result of this study showed that although the translation of the book is acceptable, it is not of high quality. The most critical problem of the translation is the complexity of Persian sentences, so that the readers have to read the sentences several times to understand them. However, considering the fact that there are few Persian sourcebooks written on psycholinguistics, it can be used as a sourcebook provided that the problems are eliminated in the next editions.

Keywords: Psycholinguistics, Terminology, General Terms, Accuracy, Faithfulness, Syntactic and Grammatical issues

* Alzahara University Instructor, Department of Linguistics, Tehran, Iran, sh_nabifar@yahoo.com

Date received: 2020-11-18, Date of acceptance: 2021-02-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد کتاب روان‌شناسی زبان

شیمای نبی‌فر*

چکیده

در مقاله زیر کتاب *روان‌شناسی زبان* نوشته دیوید دبلیو کرول ترجمه حشمت‌اله صباغی نقد شده است. کتاب به لحاظ صوری و محتوایی توصیف و ترجمه آن بر اساس عواملی مانند سبک نویسنده، گزینش معادل‌های واژگان عمومی و تخصصی، مسائل دستوری و نحوی، علایم سجاوندی و قواعد نگارشی، اشتباهات تایپی، دقت و صحت در ترجمه و امانت‌داری بررسی شده است. اشکالات ترجمه عبارت بودند از: عدم بکارگیری فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها، علایم سجاوندی و نقطه‌گذاری نامناسب، جملات پیچیده در ترجمه علی-رغم روان بودن و قابل فهم بودن متن انگلیسی کتاب، معادل‌های پیچیده، کم‌بسامد، واژه‌های عربی کم‌کاربرد به جای معادل‌های ساده و پربسامد. البته در مواردی معادل‌های اصطلاحات تخصصی خوب انتخاب شده بود. امانت‌داری در ترجمه تقریباً رعایت شده بود. نتیجه بررسی نشان داد که کتاب به لحاظ کیفیت ترجمه از ویژگی‌های بالایی برخوردار نیست و سطح آن متوسط است. اساسی‌ترین ایراد کتاب این است که خواننده باید به منظور درک بسیاری از جملات آنها را چندبار بخواند. با این‌وجود با توجه به کمبود منابع فارسی در زمینه روان‌شناسی زبان دانشجویان و متخصصین می‌توانند از این کتاب استفاده کنند به شرط آنکه ایرادهای ذکر شده در ویراست‌های بعدی رفع شوند.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی زبان، اصطلاحات تخصصی، واژگان عمومی، صحت و دقت، مسایل دستوری و نحوی، امانت‌داری

* مدرس دانشگاه الزهراء، گروه زبان‌شناسی و آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، sh_nabifar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

۱. مقدمه

کتاب روان‌شناسی زبان (Psychology of Language) نوشته دیوید دبلیو کرول (David W. Carroll) چاپ پنجم در سال ۲۰۰۸ است که توسط حشمت اله صباغی ترجمه و در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات رشد در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. کتاب مذکور دارای قطع وزیری و تعداد صفحات آن ۷۸۱ است. تعداد صفحات نسخه اصلی کتاب ۴۹۸ صفحه و قیمت آن ۲۸۰۰۰۰ ریال است. مترجم در بخش یادداشت مترجم آن را به عنوان یکی از منابع مهم درس روان‌شناسی زبان معرفی می‌کند و گفته است که طراحی و سازمان‌دهی کتاب به نحوی است که آن را برای اهداف پژوهشی و آموزشی بسیار مناسب می‌کند. هر چند که نویسنده ذکر می‌کند که هدف اصلی نگارش این کتاب آموزش به دانشجویان است.

کتاب ترجمه شده شامل ۵ بخش است که در مجموع ۱۴ فصل را دربرمی‌گیرد. کتاب شامل بخش معرفی نویسنده، فهرست مطالب، یادداشت مترجم، پیشگفتار، متن اصلی کتاب (۱۴ فصل)، واژه‌نامه توصیفی، واژه‌نامه انگلیسی فارسی و واژه‌نامه فارسی انگلیسی، نمایه اشخاص، نمایه موضوعی و منابع است.

بخش اول که عنوان آن مسائل کلی است و مسائل کلی و عمومی مربوط به روان‌شناسی زبان را بررسی می‌کند سه فصل را در برمی‌گیرد: فصل اول به توصیف و تعریف حوزه روان‌شناسی زبان همراه با تاریخ مختصر آن اختصاص دارد. فصل دوم به توصیف مفاهیم دستوری پایه مانند واج‌ها و مشخصه‌های تمایزدهنده و ساخت واژه می‌پردازد و علاوه بر این زبان اشاره آمریکایی نیز به لحاظ دستوری در این فصل بررسی می‌شود. این فصل در نهایت با بررسی مختصر برخی مسائل مهم و بحث‌برانگیز در نظریه زبانی مانند واقعیت روان‌شناختی دستور و ذاتی بودن زبان به پایان می‌رسد. فصل سوم به بررسی مفاهیم پردازش اطلاعات و چگونگی بکارگیری آنها در زبان می‌پردازد.

بخش دوم و سوم کتاب به مسائل پردازشی زبان می‌پردازند. بخش دوم (فصل ۴ تا ۷) به درک زبان می‌پردازد و مسائلی را در خصوص ادراک و واژگان، پردازش جمله و پردازش واحدهای بزرگ‌تر مانند گفتمان مطرح می‌کند. فصل چهارم به بحث در مورد ادراک گفتار و خواندن و بررسی خطوط غیرالفبایی می‌پردازد. فصل پنجم دانش کنونی مربوط به سازماندهی واژگان درونی را ارائه می‌دهد و به بررسی چگونگی دستیابی به کلمات در طی فرایند درک می‌پردازد. فصل ششم به بحث درباره درک جمله شامل تقطیع

و زبان مجازی و حافظه مربوط به جملات می‌پردازد. فصل ۷ به سطوح بازنمایی گفتمان و چگونگی عملکرد آنها می‌پردازد.

بخش سوم کتاب (فصل ۸ و ۹) مسئله تولید زبان و تعامل گفتاری را بررسی می‌کند. فصل ۸ خطاهای گفتاری و توجیه مختلف این خطاها را بررسی می‌کند. و نیز به بحث درباره فرایند اجرای طرح‌های گفتاری می‌پردازد. فصل نهم عوامل دخیل در تعامل گفتاری و تأثیر فضاهای گفتگو و طرفین گفتگو بر تعامل را توصیف می‌کند.

بخش چهارم کتاب فصل ۱۰ تا ۱۲ را در برمی‌گیرد. فصل دهم به توصیف سرشت ایما و اشاره‌های کودکان در مرحله پیش‌زبانی و گام‌های اولیه کودک در فراگیری زبان می‌پردازد. فصل یازدهم فراگیری زبان در اواخر دوره پیش از دبستان و نیز دوره دبستان را با تأکید بر آگاهی فرازبانی و خواندن مورد بررسی قرار می‌دهد. مسئله دوزبانگی و فراگیری زبان دوم نیز در این فصل مد نظر قرار گرفته‌اند. فصل دوازدهم به بررسی و ارزیابی نظریه‌های مختلف فراگیری زبان می‌پردازد.

بخش پنجم با عنوان زبان در ژرفا شامل فصل ۱۳ و ۱۴ است. فصل سیزدهم درباره شالوده‌های زیستی زبان است و به بررسی ارتباط زبان با مسائل عصب‌شناسی می‌پردازد. فصل چهاردهم به بحث و بررسی به ارتباط زبان با فرهنگ و شناخت می‌پردازد و نظریه ورف را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این دو فصل در اصل فرایندهای اصلی روان‌شناختی زبان یعنی درک و تولید و فراگیری از منظر زیستی و فرهنگی در نظر گرفته شده‌اند.

۲. بررسی صوری اثر

در بخش ذیل به برخی مشکلات مربوط به ترجمه و ویژگی‌های صوری و محتوایی آن می‌پردازیم.

الف. مشکلات ویرایشی

در این کتاب، صفحه‌بندی، نوع قلم و اندازه قلم کاملاً مناسب است. اما فواصل میان کلمات، از نظر چایی، در بسیاری از موارد بسیار کم است به طوری که از نیم‌فاصله کمتر و در مواردی به هم چسبیده‌اند. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

صفحه	پاراگراف	خط	موارد فاصله و نیم‌فاصله
۵	۳	۳	فاصله بین مانند فاصله بین «هوا» و «موجود» و فاصله بین دو واژه «دمش» و «وجود» در انتهای همین خط.
۵۶	۴	۱	باید بین واژه‌های «واج» و «تفاوت‌هایی» فاصله بیشتری قرار داشته باشد چون کلمه واج در اینجا عنوان است و باید بین عنوان و کلمات بعدی فاصله باشد.
۷۵	۳	۱	فاصله بین واژه «تیبینی» و «است» بسیار کم است
۹۵	۲	۱	: بین عنوان «آزمون‌های مدل» و عبارت «بد نیست» که در ابتدای خط است باید فاصله بیشتری لحاظ شود چون «آزمون‌های مدل» عنوان محسوب می‌شود.
۱۶۸	۲	۲	بین کلمات «پیوندگرا»، «دربارۀ» و «گونه‌های» فاصله بسیار کم است حتی از نیم‌فاصله هم کم‌تر است. کلمات «مثلاً» و «گونه‌های» به هم چسبیده‌اند
۱۶۸	۲	۳	کلمه «که» و «می‌توانستند» تقریباً به چسبیده است.
۲۰۰	۱	۳	: بین واژه «زیرا» و «گاهی» اصلاً فاصله وجود ندارد و به صورت «زیراگاهی» چاپ شده است.
۲۰۹	۳	۳	فاصله بین واژه‌های «که» و «کلمات» و همچنین فاصله بین واژه‌های «وضعیت» و «آماده‌تری» بسیار کم است حتی از نیم‌فاصله هم کم‌تر است.
۲۳۷	۲	۲ و ۳	اصطلاح «ویرایش‌های آنی» در پاراگراف ۲ در خط دوم و بخشی از آن در خط سوم آمده است. درحالی‌که در متن انگلیسی این اصطلاح یعنی "Instant repairs" خود به صورت یک عنوان در ابتدای یک پاراگراف جدید آمده است. از این‌رو مترجم باید «ویرایش‌های جدید» را به صورت یک عنوان در ابتدای پاراگرافی جدید بیاورد.
۲۴۶	۲	۳	در این خط اشکال چاپی وجود دارد و واژه «با» به ابتدای کلمه بعدی که «بازنمایی» است چسبیده است.

ب. بکارگیری علائم سجاوندی و قواعد نگارشی

بکارگیری علائم سجاوندی و نقطه گذاری در مواردی رعایت نشده و فهم جملات را دشوار نموده است دو نمونه از این موارد به شرح زیرند:

- ص ۴۷۹، خط ۳: در جمله «اتکا کردن به شرح حال نگرانی‌های متعددی در پی داشت» باید بین «شرح حال» و «نگرانی‌های» ویرگول قرار گیرد تا خواندن و فهم جمله ساده‌تر انجام گیرد.

- ص ۱۲۵، خط آخر: در جمله «آیا در پس این تفاوت‌های سطحی بین گوش دادن و خواندن شباهت‌های بنیادی نهفته است؟» باید بین واژه‌های «سطحی» و «بین» یک ویرگول گذاشته شود تا معنای اصلی جمله‌ای که در متن انگلیسی آمده از جمله تعبیر گردد. در غیراین صورت ممکن است معنای دیگر نیز به دلیل خوانش متفاوت

خواننده از متن استنباط شود زیرا ممکن است خواننده واژه «سطحی» را با کسره اضافه یعنی به صورت «آیا در پس این تفاوت‌های سطحی بین گوش دادن و...» بخواند که در این صورت جمله معنای متفاوتی خواهد داشت پس به منظور رفع این ابهام حتماً باید ویرگول اعمال شود.

ج. سبک نویسنده و ترجمه آن

قلم نویسنده کتاب به‌طور کلی مناسب متن علمی است و پیچیدگی ساختاری و واژگانی آنچنانی در آن به چشم نمی‌خورد. متن انگلیسی کتاب نسبتاً روان و قابل فهم است اما علی‌رغم این مسئله در ترجمه این کتاب این سادگی و روانی در موارد بسیار رعایت نشده و متن شامل جملات پیچیده‌ای است که خواننده مجبور می‌شود به منظور رسیدن به درک، آنها را دو یا سه بار بخواند. این جملات به ویرایش نیاز دارند. نمونه‌هایی از این موارد به شرح زیرند:

- ص ۵۰۹، پاراگراف ۴، خط ۱۰ و ۱۱:

«مشاهده اینکه قوی‌ترین همبستگی مربوط به جنبه پیچیده‌ای از زبان است با این عقیده که "ساده‌سازی" گفتار بزرگسالان زبان کودکان را ارتقا می‌بخشد سازگار نیست.»
این جمله به دو یا سه بار خواندن احتیاج دارد: و ترجمه جمله زیر است:

“The observation that the most robust correlation deals with a complex aspect of languages does not fit with the idea that “simplifying” adult speech promotes child language.”

صورت ویرایش شده و ساده‌تر می‌تواند به صورت زیر باشد به طوری که از تکرار دو فعل در کنار هم جلوگیری شود:

«مشاهده اینکه قوی‌ترین همبستگی مربوط به جنبه پیچیده‌ای از زبان است با این عقیده سازگار نیست که گفتار بزرگسالان زبان کودکان را ارتقاء می‌بخشد.»

علاوه بر این اصولاً «قوی‌ترین همبستگی» در زبان فارسی چندان پذیرفته نیست و بوی ترجمه می‌دهد و شاید بد نباشد که آن را با عبارات «حداکثر همبستگی» یا «اوج همبستگی» یا «بالاترین همبستگی» جایگزین کنیم.

- ص ۵۸۹، پاراگراف ۳، خط آخر:

«انتقاد دیگر این است که گام‌های واسط منجر به تکامل زبان دارای ارزش بقای آشکار

نیست.»

Another criticism is that the intermediate steps that led to the evolution of language do not have obvious survival value.

مترجم قسمتی را که زیرش خط کشیده شده به صورت گروه اسمی ترجمه کرده که فهم جمله را کمی پیچیده کرده در حالی که این قسمت در جمله اصلی به صورت بند موصولی آمده و اگر به همان صورت ترجمه شود ساده‌تر درک خواهد شد یعنی:

«انتقاد دیگر این است که گام‌های میانی که به تحول زبان منجر می‌شود ارزش بقای آشکار ندارند.»

- ص ۵۹۲، خط ۱ و ۲:

«لیبرمن (۱۹۷۳، ۱۹۹۸، ۱۹۹۱) به بررسی بازسازی مجرای آوایی انواع انسان‌نماها، خانواده تکاملی دربرگیرنده انسان امروزی، پرداخته است.»

قسمتی که زیر آن خط کشیده شده توصیف‌کننده انسان‌نماها است. یا به عبارتی «بدل» است که بیان آن به این شکل دقیقاً حالتی است که در زبان انگلیسی بیان می‌شود. اما برای ساختار جمله فارسی چندان مناسب نیست و خوانش جمله را دشوار می‌کند. بنابراین لازم است واژه "یعنی" قبل از این عبارت توصیفی قرار گیرد تا جمله آسان‌تر فهمیده شود:

«لیبرمن (۱۹۷۳، ۱۹۹۸، ۱۹۹۱) به بررسی بازسازی مجرای آوایی انواع انسان‌نماها یعنی خانواده تکاملی دربرگیرنده انسان امروزی پرداخته است.»

- ص ۶۲۹، پاراگراف ۲، خط ۲ و ۳:

«کودکان ژاپنی که زبان‌شان فاقد رهنمون روشنی درباره اینکه اشیاء ساده یا شی‌اند یا مواد، در این عرصه تمایزی قائل نمی‌شوند.»

"The Japanese children, whose language provides no clear guidance as to whether simple objects are objects or substances, had no preference."

جمله غیردستوری است و قسمتی که زیر آن خط کشیده شده فعل ندارد و باید به صورت زیر بیان شود:

«کودکان ژاپنی که زبان‌شان فاقد نشانه روشنی است درباره اینکه اشیاء ساده یا شی‌اند یا مواد، در این عرصه تمایزی قائل نمی‌شوند.»

- بخش واژه‌نامه توصیفی ص ۶۴۳: مدخل "تمهید ناتمام: undershooting":

تعریفی که برای این مدخل ترجمه شده نامفهوم و ثقیل است:

«در تولید گفتار، تمایل تولید کننده به حصول ناقص جایگاه‌های هدف برای اصوات مختلف گفتار، تحت تأثیر هم‌تولیدی.»

- ص ۴۲، ۲ خط آخر صفحه:

«گزارش‌های کنفرانس طرح کلی از یک برنامه پژوهشی روانی-زبانی را بدست داد که انعکاس اجماعی بود مبنی بر اینکه.....»

“ The proceedings of the conference outlined a psycholinguistic agenda that reflected a consensus among participants.....”

مترجم جمله فوق را به‌ویژه در قسمتی که زیر آن خط کشیده شده است مغلق و پیچیده ترجمه نموده است. «انعکاس اجماعی بود» ساختار گروه فعلی جمله اصلی را نیز منعکس نمی‌کند و مترجم به جای آن بسیار ساده‌تر می‌توانست بگوید «که توافق بین حضار یا شرکت‌کنندگان را منعکس می‌کرد» که با ساختار جمله انگلیسی مطابقت بیشتری نیز دارد.

- ص ۶۹، پاراگراف ۱، خط آخر: چک شود هم از نظر آدرس هم جمله انگلیسی

«معنی این یافته آن است که اشاره‌ها دارای الگوی مشابه در مشخصه‌های تمایزدهنده از نظر روان‌شناختی با یکدیگر مشابهند»

جمله غیردستوری است و باید به یکی از دو صورت زیر بیان شود:

«معنی این یافته آن است که اشاره‌های دارای الگوی مشابه در مشخصه‌های تمایزدهنده، از نظر روان‌شناختی با یکدیگر مشابهند»

یا

«معنی این یافته آن است که اشاره‌هایی که به لحاظ مشخصه‌های تمایزدهنده دارای الگوی مشابه می‌باشند از نظر روان‌شناختی نیز مشابهند.»

- ص ۹۳ در قسمت عنوان "حافظه کاری" خط اول و دوم:

«حافظه کاری طبق تعریفی که از آن شده مربوط است به ذخیره موقت اطلاعاتی که در این یا آن عرصه از وظایف شناختی در حال پردازش شدن است.»

“Working memory has been defined as referring to the temporary storage of information that is being processed in any range of cognitive tasks”

قسمتی که زیر آن خط کشیده شده با جمله انگلیسی مطابقت ندارد و درست ترجمه نشده است. در عین حال فهم جمله را کمی پیچیده نموده و نمونه صحیح‌تر آن به صورت زیر پیشنهاد می‌گردد:

«حافظه کاری طبق تعریفی که از آن شده به ذخیره موقت اطلاعاتی اطلاق می‌شود که در هر طیفی (طیف گوناگونی) از تکالیف شناختی در حال پردازش شدن هستند»
- ص ۲۰۷ پاراگراف ۴، خط ۲:

«و از این‌رو ممکن است بافت قویاً جهت‌دار برای فعال کردن گزینشی معنی غالب کفایت کند.»

اولین عبارتی که زیر آن خط کشیده شده ترجمه "strongly biased context" است در حالیکه در فارسی قید قویاً کاربرد چندانی ندارد و مترجم معادل سطحی برای strongly گزیده است. در واقع ترجمه صحیح‌تر این عبارت می‌تواند «بافت کاملاً جهت‌دار» باشد.

دومین عبارتی (گروه اسمی) که زیر آن خط کشیده شده است ترجمه "to selectively activate the dominant meaning" است. مترجم آن را به مانند زبان اصلی به صورت گروه اسمی که با مصدر فعلی آغاز می‌شود ترجمه و بدین لحاظ خواسته تا با حفظ نوع ساختار نحوی زبان اصلی امانت در ترجمه را رعایت کند اما این امر باعث شده که درک معنای گروه اسمی «فعال کردن گزینشی» کمی مشکل شود و اگر ترجمه به صورت زیر ارائه شود خواندن و درک آن ساده‌تر خواهد بود و با ساختار فارسی مطابقت بیشتری دارد:

«و از این‌رو ممکن است بافت کاملاً جهت‌دار برای آنکه معنای غالب را به طور انتخابی فعال کند کفایت کند.»
- ص ۱۴۸، دو خط آخر:

«مرز متصور بین اصوات واک‌دار و بی‌واک در اثر سرعت بیشتر به نحوی معطوف به ارزش‌های زمان آغاز واک کوچک‌تر تغییر پیدا می‌کند.»

"With faster rates the perceived boundary between voiced and voiceless sounds shifted toward smaller VOT values"

در ترجمه این جمله قسمت‌هایی که زیر آن خط کشیده شده فهم جمله را دشوار نموده درحالی‌که می‌توان جمله زیر را به شکل ساده‌تر ترجمه کرد:

«در سرعت‌های بیشتر مرز ادراک شده بین آواهای واک‌دار و بی‌واک به سمت ارزش‌های کوچک‌تر زمان آغاز واک تغییر می‌کند.»

علاوه بر موارد بالا از موارد دیگری که در آن مترجم سبک نویسنده را حفظ نکرده انتخاب معادل واژه‌های عمومی است همان‌طور که در نمونه‌های ارائه شده در بخش بررسی معادل‌های واژگان عمومی و اصطلاحات تخصصی خواهیم دید علی‌رغم ساده بودن واژه‌ها در زبان اصلی برای آنها معادل‌های کم‌بسامد و پیچیده و گاهاً ناآشنا ارائه نموده و گرایش به پیچیده‌گرایی نسبی داشته است.

۳. بررسی محتوایی اثر

در این بخش به بررسی واژگان عمومی و تخصصی و معادل‌گزینی آنها و همچنین امانت در ترجمه و مسائل دستوری و ویرایشی اثر می‌پردازیم:

۱.۳ واژگان عمومی و اصطلاحات تخصصی

الف) معادل‌گزینی برای واژه‌های عمومی

در سطح ترجمه واژگان عمومی متن نیز پیچیدگی‌هایی به چشم می‌خورد به‌طوریکه مترجم برای بسیاری از واژه‌های ساده متن اصلی که می‌توان برای آنها در زبان فارسی به همین ترتیب معادل‌های ساده، رایج و پربسامد انتخاب کرد و به این ترتیب به فهم خواننده از موضوع کمک کرد به انتخاب معادل‌های پیچیده کم‌بسامد یا واژه‌های عربی کم‌کاربرد پرداخته است. از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد و در نمونه‌های زیر مواردی نیز وجود دارند مترجم معادل فارسی صحیح برای آنها انتخاب نکرده است:

- ص ۳۶۸، پاراگراف ۳: واژه «کارگردان» برای «director» که با توجه به بافت زبانی ترجمه صحیح نیست. بلکه ترجمه درست آن در این بافت «راهنما» است. انتخاب واژه «کارگردان» معنای «کارگردان فیلم» را به ذهن متبادر می‌سازد که در این بافت صحیح نیست.

- ص ۳۶۳، خط ۲: در جمله «زنان بیش از مردان از وسایل جلب توجه استفاده می‌کنند» واژه «وسایل» به عنوان معادل «devices» در عبارت «attention-getting devices» انتخاب شده است در حالی که واژه وسایل با جلب توجه در فارسی باهم آیی ندارد و ترجمه مناسب در اینجا «ابزارهای جلب توجه» است.

- ص ۴۳۳، پاراگراف ۲، خط ۲: عبارت "طرفه آنکه" برای "interestingly" که به عنوان قید در ابتدای جمله بکار رفته است. درحالی‌که این عبارت کم‌کاربرد و مغلق است و مناسب متن علمی نیست. ترجمه‌های گویاتر و مناسب‌تری مانند «جالب است که.....» و "جالب اینکه" برای آن موجود است که فهم خواننده را نیز تسهیل می‌کند.

- ص ۴۷۷، پاراگراف ۳، خط ۴: بکار بردن فعل نامتعارف، مغلق و کم‌کاربرد «تداول دارد» به جای «متداول است» در جمله «اما در بسیاری از جاها زبان فرانسه تداول دارد» که ترجمه جمله زیر است:

"but French is spoken in many places"

از سوی دیگر ترجمه فوق ترجمه دقیق و مناسبی برای این جمله نیست و مترجم می‌توانست به سادگی آن را به صورت «اما زبان فرانسه در بسیاری از مناطق صحبت می‌شود» ترجمه کند.

- ص ۹۶، پاراگراف ۴، خط ۲: بکار بردن واژه کم‌کاربرد و پیچیده و نامتعارف «منقسم» در عبارت «توجه منقسم» برای "divided attention" در حالیکه مترجم می‌توانست به سادگی آن را به صورت «تقسیم‌شده» ترجمه کند.

- ص ۱۲۳، خط اول: واژه عربی و مهجور و کم‌کاربرد «معیت» در جمله «هر صامتی در معیت مصوتی است» که ترجمه جمله "In the name of every consonant there is a vowel" است. درحالی‌که جمله انگلیسی ساده است و سبک ادبی چندانی ندارد.

- ص ۲۰۰، پاراگراف ۱، خط آخر: بکار بردن فعل پیچیده، نامتعارف «مطمح نظر قرار می‌دهد» برای فعل "tap into"

- ص ۱۲۴ خط آخر: بکار بردن فعل پیچیده «تعلیل کردن» برای فعل ساده انگلیسی "account for" در جمله «این مدل‌ها یافته‌های متعدد ادراک گفتار و ادراک بصری کلمه را می‌توانند تعلیل کنند» در حالیکه می‌توان به جای آن از ترجمه مناسب‌تر و دقیق‌تر «توجیه کنند» استفاده کرد.

- ص ۲۳۴، پاراگراف ۲ خط ۱: بکار بردن واژه عربی و کم‌کاربرد "موجد" در جمله "دیدگاه کاربرشناختی موجد چند پیامد قابل آزمایش است" که ترجمه جمله زیر است:

“The pragmatic view has some testable implications”

در حالیکه ترجمه صحیح و مناسب این جمله با حفظ سبک نویسنده به شرح زیر است:
«دیدگاه کاربردشناختی دارای چند پیامد قابل آزمایش است»
علاوه بر مورد بالا مترجم در موارد بسیار دیگری در کتاب برای واژه‌های “have” و “has” از کلمات «واجد» و «موجد» استفاده کرده است.

- ص ۲۴۴، خط ۲: بکارگیری واژه «نظرگیر» برای “impressive”. نظرگیر واژه‌ای کم- کاربرد و نامتعارف است و می‌توان از معادل‌های بهتری که با بافت جمله این واژه همخوانی دارند مانند «تأثیرگذار» استفاده کرد. در موارد دیگر در سراسر متن کتاب مترجم به کرات از واژه نظرگیر استفاده کرده و آن را برای واژه‌هایی مانند “remarkable” انتخاب کرده است که برای آن‌ها نیز معادل‌های بهتر و آشناتری مانند «چشمگیر» و «قابل توجه» یا «قابل ملاحظه» موجود است.

- ص ۲۹۲، پاراگراف ۵، خط آخر: بکارگیری واژه “تباين” برای “differs from” در جمله «این مطالعات به فهم ما از چگونگی تباين گفتمان روایتی و گفتمان تشریحی می‌افزاید» که به جای آن نویسنده می‌توانست از واژه ساده‌تر «تفاوت» که سبک نویسنده را نیز حفظ می‌کند استفاده کند.

- ص ۲۹۳، پاراگراف ۳، قسمت عنوان: بکارگیری «مضامين آموزشی» برای “Educational implications” در این خصوص مترجم می‌توانست به جای واژه عربی و کم‌کاربردتر مضامين، واژه فارسی و پرکاربردتر «پیامدها» را معادل‌گزینی کند.

- ص ۳۷۷، پاراگراف ۲، خط ۲: بکارگیری واژه «فهم کردن» در جمله «می‌کوشیم چگونگی گفتگوی مردان و زنان را با یکدیگر و با همجنس خود فهم کنیم». در فارسی فعل مرکب «فهم کردن» در فارسی کم‌بسامد است و باید «فهمیدن» یا «درک کردن» را که آشناتر و پرسامدتر هستند جایگزین کرد.

- ص ۱۶۳، پاراگراف ۲، خط ۳: بکارگیری واژه «به‌طور محرک‌نمایانه» برای “tachistoscopically”. در حالی که مترجم می‌توانست بگوید “با استفاده از محرک نما”.

ب) معادل‌گزینی برای واژه‌های تخصصی

صرف نظر از موارد بالا مترجم در مواردی در انتخاب معادل‌های مناسب برای اصطلاحات تخصصی روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی خوب عمل کرده و در مواردی که برای پیدا کردن معادل مناسب برای برخی از واژه‌های تخصصی با دشواری روبرو می‌شویم معادل‌های مناسب و جدیدی را ارائه نموده است. مانند موارد زیر:

معادل‌های «فرا‌تعمیم» و «فرو‌تعمیم» برای واژه‌های “overextension” و “underextension” در مبحث فراگیری زبان

معادل «اسامی شمارا» برای اصطلاح “count noun”

معادل «فرا‌انطباق» برای واژه “exaptation”

معادل «چشم‌پویش» برای “saccade”

معادل «چاره‌جویی معنایی» برای “semantic bootstrapping”

علی‌رغم موارد بالا مترجم در مواردی زیادی نیز با وجود اینکه برای یک واژه تخصصی در زبان انگلیسی معادل و اصطلاح مناسب و رایج در فارسی وجود داشته دست به واژه‌سازی زده که در مواردی نامناسب هستند. نمونه‌هایی از این موارد به شرح زیرند و مواردی وجود دارند که در انتخاب معادل برای اصطلاحات تخصصی ایراداتی وجود دارد مانند موارد زیر:

- ص ۶۹: «دوجانبگی» برای اصطلاح “reciprocity” درحالی‌که برای این واژه اصطلاح «دوسویه» و «دوسوییگی» در متون زبان‌شناسی رایج و متداول است و از سوی دیگر واژه «دوجانبگی» به لحاظ آوایی نیز دارای تلفظ دشوارتری است.

- ص ۷۱: «تقابل‌های حداقلی» برای “minimal contrasts” بکار رفته درحالی‌که واژه «کمینه» برای “minimal” واژه‌ای رایج و متداول در متون علمی زبان‌شناسی است. ثانیاً در فارسی صفت «حداقلی» نداریم!

- ص ۱۹، پاراگراف ۲، خط ۲: عبارات «پردازش از بالا به پایین» و «پردازش از پایین به بالا» برای “Top-down processing” و “bottom-up processing”. در ترجمه این اصطلاحات نیاز به حرف اضافه «از» نیست و به سادگی می‌توان گفت «پردازش بالا به پایین» و «پردازش پایین به بالا».

- ص ۱۱۲، پاراگراف ۲، خط ۱: «حوزه رقمی» برای “digit span”. واژه «حوزه» به لحاظ معنایی برای “span” صحیح نیست و در اینجا منظور فراخنای حافظه برای اعداد است از سوی دیگر واژه «عدد» نسبت به «رقم» ساده‌تر و پربسامدتر است در

بافت متون روان‌شناسی بیشتر کاربرد دارد. می‌توان از اصطلاح «گستره یا فراخنای اعداد» استفاده کرد.

- ص ۱۳۱: اصطلاحات «بالا» و «پایین» و «میان» برای «high» و «low» و «mid» در حوزه توصیف آواها در آواشناسی مصطلح نیست و گویی مترجم از آنها بی‌خبر بوده است. در آواشناسی از واژه‌های «افراشته» و «افتاده» و «میانی» استفاده می‌شود.
- در سراسر کتاب واژه «system» به «سامانه» ترجمه شده است که البته واژه زیبایی است. اما در موارد بسیاری در متون زبان و زبان‌شناسی واژه «نظام» بکار رفته است مانند نظام زبان.
- ص ۱۵۱، پاراگراف ۴: «پی‌جویی تلفظ غلط» برای «Mispronunciation detection»؛ برای واژه «detection» می‌توان واژه متعارف «تشخیص» را بکار برد.
- ص ۱۶۵: «مدل دو خطی» برای «Dual-route Models». «route» در مدل‌های خواندن به معنای خط نیست بلکه مسیر دستیابی به واژه‌ها و حروف مد نظر است. و این ترجمه صحیح نمی‌باشد. معادل صحیح «مدل‌های دو مسیره» خواندن است.
- ص ۱۵۶، خط ۷: «تک‌نگاره» برای «grapheme» که البته واژه‌سازی مترجم درخور تحسین است اما برای این واژه تخصصی، واژه «نویسه» در متون علمی زبان‌شناسی متداول است.
- ص ۱۵۸، پارا ۵: «برجمانی» برای «fixation» که البته واژه‌سازی مترجم درخور تحسین است اما برای این اصطلاح، واژه «تثبیت» در متون روان‌شناسی و روان‌شناسی زبان د حوزه خواندن بکار می‌رود و نیازی به ساختن واژه جدید نیست.
- ص ۱۸۹، پاراگراف ۲، بعد از مثال‌ها، خط ۱: «تأثیر نمونه‌بودگی» برای «typicality effect». «نمونه‌بودگی» خوش‌ساخت نیست و «تأثیر نمودگی» یا «تأثیر نمونه شاخص» پیشنهاد می‌گردد.
- ص ۳۶۲، در قسمت جدول: «گفتار خودانگیز» برای «spontaneous speech». «گفتار خودانگیز» معادل مصطلح و رایج این عبارت در متون روان‌شناسی زبان می‌باشد.
- ص ۳۷۱، پاراگراف ۲، خط ۴: «سنجه گوش کردن دوگانه» برای «dichotic listening test» که برای آن معادل رایج و مصطلح و جاافتاده «آزمون شنود دوگوشی» در متون

- زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان موجود است و به نظر می‌رسد که مترجم از آن بی‌خبر بوده است.
- ص ۵۱۹، پاراگراف ۳، خط ۵: «تعویق زبانی» برای «language delay». که در حقیقت به معنای تأخیر در رشد زبان می‌باشد و در واقع اصطلاح رایج و متداول در متون زبان‌شناسی به عنوان «تأخیر زبانی» به کار می‌رود و نه «تعویق»
- ص ۴۵۷، خط ۲: «داوری دستوری» برای «judgment of grammaticality». درحالی‌که اصطلاح بسیار آشنا و کاملاً متداول «قضایوت درباره دستوری بودن» برای این عبارت در متون زبان‌شناسی فارسی مناسب‌تر است.
- ص ۶۱۷، پاراگراف ۲، خط ۱: «مطالعه مرزگذر» برای «cross-linguistic study» که ترجمه مناسب‌تر آن «مطالعه مرزگذر» است.
- ص ۴۳۸، قسمت عنوان‌ها: «تکوین نحو تکمیلی» برای «later syntactic development». درحالی‌که برای واژه «development» وقتی صحبت از فراگیری زبان باشد در متون روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اصطلاح «رشد» بکار می‌رود نه «تکوین». در موارد دیگر نیز در سراسر کتاب مترجم واژه «تکوین» را برای «development» بکار برده است مانند ص ۲۹۵، پاراگراف ۴: «تکوین قصد ارتباطی».
- ص ۴۰۷، قسمت عنوان: «روند تولید گفتار» برای «The development of speech production». در مبحثی که ذیل این عنوان مطرح شده است صحبت از فراگیری زبان و رشد چگونگی تولید گفتار است. بنابراین به کارگیری معادل «روند» برای «development» نادرست است. واژه «روند» ممکن است معنای پردازش و فرایندهای دخیل در چگونگی تولید گفتار را القا کند. درحالی‌که در اینجا منظور «رشد و فراگیری تولید گفتار» است.
- ص ۳۴۴، پاراگراف ۲، خط ۱: «الزامات ساخت تکواژ» برای «morpheme structure constraints» که ترجمه دقیق و صحیح آن «محدوبیت‌های ساخت تکواژ» است.
- ص ۲۷۷، پاراگراف ۳، خط ۲: چک شود: «آزمون حافظه شناختی» برای «recognition memory test» که مترجم به اشتباه «recognition» را با «cognition» خلط کرده و شناختی ترجمه کرده است در حالیکه با توجه به بافت زبانی عبارت فوق، ترجمه صحیح آن «آزمون حافظه بازشناسی» است.

- ص ۱۳۳: در این صفحه مترجم برای اصطلاح "formant" در حوزه آواشناسی معادل «سازه» را گزینش کرده و در سراسر کتاب نیز اصطلاح «سازه» را بکار برده است. اما در بخش واژه‌نامه توصیفی و نمایه علاوه بر اصطلاح سازه در داخل پراگماتیک اصطلاح «سازند» را نیز آورده است مترجم باید در ص ۱۳۳ که برای اولین بار اصطلاح سازه مطرح شده اصطلاح «سازند» را نیز ذکر می‌کرد.
- ص ۲۱۴: قسمت عنوان: «تجزیه» برای "parsing" درحالی‌که اصطلاح دقیق و متداول «تقطیع» برای "parsing" موجود است. بویژه وقتی صحبت از نحو است اصطلاح «تقطیع نحوی» بکار می‌رود.
- بکارگیری واژه «سنجه» در بسیاری از صفحات کتاب برای واژه‌های "task" و "measure" و "test": درحالی‌که می‌توان برای این موارد از معادل‌های «تکلیف»، «آزمون»، و در مواردی «ارزیابی» و «آزمایش» که برای خواننده آشناتر و در متون روان‌شناسی زبان نیز متداول‌ترند استفاده کرد.
- در سراسر کتاب از جمله ص ۳۲ پاراگراف ۴، خط ۵، مترجم اصطلاح «مسئله-گشایی» را برای "problem-solving" بکار برده در صورتی‌که در متون علمی روان‌شناسی و روان‌شناسی شناختی «حل مسئله» اصطلاح رایج و متداول‌تری است.
- برای واژه "reinforcement" در جمله زیر (ص ۴۱، پاراگراف ۳، خط ۱) «تشویق» ارائه شده است درحالی‌که معنای دقیق آن با توجه به بافت و صحبت از رفتارگرایی «تقویت» است.
- «برای تعلیم سخن گفتن به کودکان، در ابتدا تشویق مشخصات کلامی نزدیک به مشخصات کلامی رسمی بسیار تسامح آمیز است.»
- "In teaching the young child to talk, the formal specifications upon which reinforcement is contingent are at first greatly related?"
- ص ۴۴، پاراگراف ۳، مترجم برای عبارت "the argument of poverty of stimulus" ترجمه «ضعف برهان محرک» را بکار برده که به دو دلیل ایراد دارد:
اول آنکه مترجم برهان ضعف محرک را به اشتباه ضعف برهان محرک ترجمه کرده است
- دوم «برهان» واژه‌ای است که در متون فلسفی بیشتر کاربرد دارد و در متون علمی زبان‌شناسی و روان‌شناسی واژه «استدلال» رایج‌تر و پربسامدتر است.

سوم آنکه برای عبارت "poverty of stimulus" معادل مصطلحی که جا افتاده و در تمام متون زبان فارسی به چشم می‌خورد وجود دارد که همان «فقر محرک» است و در حقیقت در اینجا معنای دقیق واژه "poverty" هم فقر و کمبود است که نشانه ناکافی بودن داده‌های زبانی برای کودک است و نه به معنای ضعف داده!

۲.۳ مسائل دستوری

اشکالات نحوی و دستوری ترجمه در سه رده مشاهده شدند:

۱. کسره اضافه: در مواردی از جملات کتاب مشاهده شد که گذاشتن کسره اضافه لازم است و به خواندن و فهم جملات کمک می‌کند یا از ابهام جلوگیری می‌کند از جمله این موارد می‌توان به دو نمونه زیر اشاره کرد:

- ص ۲۴۷، پاراگراف ۳، خط ۱: در جمله «در اینجا نیز واقعیت امر حاکی از آنست که استنباط استفاده از این ابزار در تعمیر کردن لانه پرنده در خلال درک حاصل شده است» لازم است که زیر کلمه «استنباط» کسره اضافه گذاشته شود تا خواندن جمله روان‌تر و درک آن بهتر انجام گیرد و خواننده مجبور نباشد جمله را چند بار بخواند.

- ص ۳۵۲، قسمت فهرست مطالب فصل: مترجم عبارت «گفتمان درمانی» را برای "Therapeutic discourse" بکار برده است. در این عبارت لازم است که مترجم حتماً در این صفحه زیر واژه «گفتمان» کسره بگذارد. یعنی «گفتمان درمانی» چون در غیر اینصورت خواننده غیر آشنا ممکن است آن را بدون کسره اضافه بخواند و معنای "discourse therapy" را از آن استنباط کند.

۲. کاربرد نامناسب حرف اضافه: در مواردی نیز مشاهده شد که حرف اضافه در برخی جملات ترجمه شده درست بکار نرفته است. چون ترجمه سطحی و لغت به لغت برای این حروف اضافه در نظر گرفته شده است مانند نمونه‌های زیر:

- ص ۳۶۷، خط ۱: در جمله «گفتگو از چند نظر با اشکال دیگر تعامل گفتاری تفاوت دارد از جمله در تعداد شرکت کننده یا در میزان مشخص بودن موضوع و طول مدت نوبت و ترتیب نوبت از قبل.» مواردی که زیر آن خط کشیده شده است ترجمه سطحی "in" در فعل "differ in" در زبان انگلیسی می‌باشد اما در فارسی بدین

- صورت بکار نمی‌رود بلکه در اینجا ترجمه صحیح «از نظر تعداد شرکت‌کننده یا به لحاظ میزان مشخص بودن موضوع» است.
- ص ۶۲۲، پاراگراف ۳، خط ۲: در جمله «آیا این مقولات در چگونگی تصور ما از جهان تأثیر می‌گذارند.» بکارگیری حرف اضافه «بر» به جای «در» صحیح‌تر است.
۳. موارد ابهام: در مواردی در جملات ترجمه شده ابهام وجود داشت ولی این ابهام در جملات متن اصلی موجود نبود از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:
- ص ۴۲۳، پاراگراف ۲، زیرعنوان «ساخت گفته‌های اولیه» که ترجمه "The structure of early utterances" است دارای ابهام است. چون ترجمه فارسی هم می‌تواند به معنای ساختار گفته و هم می‌تواند به معنای ساختن گفته‌های اولیه باشد. مترجم باید به منظور جلوگیری از ابهام و رعایت امانت در ترجمه آن را به صورت «ساختار گفته‌های اولیه» ترجمه می‌کرد.
- ص ۵۸۹، پاراگراف ۴، خط ۱: جمله «اشکال واسط بسیاری در زبان وجود دارد» که ترجمه بخش خط کشیده شده در جمله "there are in fact many intermediate forms of language..... such as pidgins, aphasia....." است. این ترجمه مناسب نیست چون ابهام در آن وجود دارد و در حقیقت این معنا نیز از آن استنباط می‌شود که صورت‌های واسط بسیاری در داخل هر زبانی وجود دارد. درحالی‌که معنای جمله اصلی این است: «زبان می‌تواند به صورت‌های بینابینی مختلفی ... همچون پیچین‌ها، موارد متأثر از آفازیا و ... ظاهر شود»
- - ص ۶۰۶: عنوان «آزمایش فرضیه ورف» که ترجمه "Testing the Whorf hypothesis" است ترجمه مناسبی نمی‌باشد. زیرا ابهام دارد و به احتمال زیاد خواننده معنای «آزمایش مربوط به فرضیه ورف» را از آن استنباط می‌کند در حالیکه معنای عبارت انگلیسی «ارزیابی یا سنجش فرضیه ورف» است.

۳.۳ اصل امانت در ترجمه:

امانت‌داری در ترجمه تقریباً به میزان مناسب و قابل قبولی رعایت شده اما در مواردی نیز این اصل رعایت نشده است:

مترجم برخی از جملاتی را که به عنوان مثال در کتاب اصلی ارائه شده ترجمه و برخی از آنها را ترجمه نکرده است (مانند برخی جملات ص ۱۰۹، ص ۱۲۸) و دلیل قانع‌کننده‌ای برای این امر در یادداشت مترجم ارائه نداده است.

از جمله موارد دیگری که مترجم امانت در ترجمه را رعایت نکرده می‌توان مثال زیر را ارائه کرد که مربوط به حوزه نحو است:

رعایت نکردن ترتیب توصیف‌کننده و اسم در ترجمه مانند:

- ص ۱۴۹، پاراگراف ۳، خط ۱: در عبارت «بازشناسی بافت و گفتار» که ترجمه "context and speech recognition" است ترتیب ساختاری عبارت انگلیسی رعایت نشده و در اصل باید دقیقاً مانند گروه اسمی انگلیسی که واژه به صورت «بازشناسی گفتار و بافت» ترجمه شود چون در «بازشناسی بافت و گفتار» این ابهام نهفته است که ممکن است «بازشناسی» توصیف‌کننده گفتار نباشد و فقط توصیف‌کننده بافت باشد درحالی‌که در عبارت اصلی چون "recognition" پس از "speech" قرار گرفته است توصیف‌کننده حتمی آن است و این اصل باید با حفظ ترتیب واژه‌ها در ترجمه رعایت و امانت‌داری شود. علاوه بر موارد فوق در مواردی اشتباهاتی نیز در ترجمه مشاهده شد از جمله دو نمونه زیر:

- ص ۱۱۸، پاراگراف ۲، خط ۲: در جمله «چه ارتباطی بین این مهارت‌های توأم با رشد حافظه و فراگیری زبان است» که ترجمه جمله "What is the relationship between these developing memory skills and children's acquisition" است. عبارت "developing memory skills" به اشتباه به صورت «این مهارت‌های توأم با رشد حافظه» ترجمه شده درحالی‌که معنای صحیح آن «این مهارت‌های حافظه‌ای در حال رشد» است.

- ص ۵۲۹، پاراگراف ۲، خط ۴: جمله «انگلیسی زبانی است که در آن ترتیب کلمات بسیار انعطاف‌پذیر است.» ترجمه اشتباه جمله زیر است

"English is a very strict word-order language"

و این در حالیست که معنای این جمله کاملاً عکس جمله ترجمه شده است یعنی ترجمه صحیح «انگلیسی زبانی است که در آن ترتیب کلمات بسیار انعطاف‌ناپذیر است» می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد می‌توان نتیجه گرفت که کتاب روان‌شناسی زبان ترجمه حشمت‌اله صباغی دارای ویژگی‌های زیر است:

به‌لحاظ صوری صفحه‌بندی، نوع قلم و اندازه قلم کاملاً مناسب است. اما فواصل میان کلمات، از نظر چایی، در بسیاری از موارد بسیار کم است به‌طوری که از نیم‌فاصله کمتر و در مواردی به هم چسبیده‌اند. همچنین در مواردی عدم بکارگیری علائم سجاوندی و نقطه‌گذاری مناسب موجب دشوار شدن فهم جملات می‌شود.

به لحاظ محتوایی قلم نویسنده کتاب به‌طور کلی مناسب متن علمی است و پیچیدگی ساختاری و واژگانی آنچنانی در آن به چشم نمی‌خورد. متن انگلیسی کتاب نسبتاً روان و قابل فهم است اما علی‌رغم این مسئله در ترجمه کتاب این سادگی و روانی در موارد بسیار رعایت نشده و متن شامل جملات پیچیده‌ای است که خواننده مجبور می‌شود به منظور رسیدن به درک، آنها را دو یا سه بار بخواند. در سطح ترجمه واژگان عمومی متن نیز پیچیدگی‌هایی به چشم می‌خورد به‌طوری‌که مترجم برای بسیاری از واژه‌های ساده متن اصلی که می‌توان برای آنها در زبان فارسی به همین ترتیب معادل‌های ساده، رایج و پرسامد انتخاب کرد به انتخاب معادل‌های پیچیده کم‌سآمد یا واژه‌های عربی کم‌کاربرد پرداخته است. صرف نظر از این موارد انتخاب معادل‌های مناسب برای اصطلاحات تخصصی روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی در کل به خوبی صورت گرفته است. رعایت اصل امانت داری در ترجمه کتاب به طور کلی قابل قبول است.

در کل می‌توان گفت که کتاب مذکور هم می‌تواند به عنوان یک کتاب درسی و هم به عنوان یک منبع پژوهشی برای دانشجویان و متخصصین رشته‌های زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان و روان‌شناسی شناختی مورد استفاده قرار گیرد. اما آنچه مسلم است این است متن کتاب و مسائل مطرح در کتاب به گونه‌ای است که دانش پایه‌ای زبان‌شناسی برای فهم آن لازم است. با این وجود و با توجه به کمبود منابع فارسی در زمینه روان‌شناسی زبان این ایرادها باید در چاپ‌ها یا ویراست‌های بعدی کتاب رفع شود تا مناسب استفاده به عنوان منبعی درسی شود و دانشجویان و متخصصین بتوانند از این کتاب استفاده کنند.

کتاب‌نامه

باطنی، محمدرضا و زهرا احمدی نیا (۱۳۹۶)، فرهنگ معاصر پویا، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

براهنی، محمدتقی، علی اکبر سیف، جمال عابدی، هامایک آوادیسیان، محمدرضا باطنی، یوسف کریمی، نیسان گاهان و جمال بامدادی (۱۳۹۷)، *واژه‌نامه روان‌شناسی و زمینه‌های وابسته*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

حقوق‌شناس، علی محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی (۱۳۹۸)، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

کرول، دیوید دبلیو (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی زبان*، ترجمه حشمت‌الله، صباغی، تهران: انتشارات رشد. همایون، همادخت (۱۳۹۴)، *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Carroll, David (2008), *Psychology of language*, Wadsworth Publishing.

Field, John (2004), *Psycholinguistics: the key concepts*, London: Routledge.

Gareth Gaskell, M (2007), *The Oxford Handbook of Psycholinguistics*, Oxford: Oxford University Press. .

Hornby, A. S and Wehmeier Sally (eds), (2015), *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.

Traxler, J. Matthew (2012), *Introduction to Psycholinguistics*, Chichester: UK. Wiley-Blackwell.

